



سال یازدهم • پاییز و زمستان ۱۴۰۴ • شماره ۲۳

Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol.11, No. 23, Autumn & Winter 2026

مدل فرایندی طلاق عاطفی در روابط زناشویی مبتنی بر منابع اسلامی

* محمد رضا نجفی

** محمد رضا احمدی

*** حسین رضائیان بیلندی

چکیده

طلاق عاطفی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن پیوندهای عاطفی زوجین تضعیف شده و رابطه علی‌رغم تداوم زندگی مشترک، فاقد صمیمیت و محبت متقابل است. این پژوهش با هدف تبیین مدل فرایندی طلاق عاطفی در روابط زناشویی مبتنی بر منابع اسلامی و شناسایی عوامل زمینه‌ساز، مؤلفه‌های هسته‌ای و پیامدهای آن انجام شد. مطالعه حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و نمونه‌گیری هدفمند متون اسلامی صورت پذیرفت. جامعه پژوهش شامل ۱۸۱۲ آیه و روایت بود که پس از ارزیابی اعتبار، ۳۷۶ منبع معتبر انتخاب شدند. داده‌ها طی مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل گردید. روایی محتوایی مؤلفه‌های استخراج‌شده با نظر ۹ خبره در حوزه‌های روان‌شناسی خانواده و علوم اسلامی تأیید شد. یافته‌ها نشان داد ۹ عامل زمینه‌ساز (شامل اختلاف سنی، ارتباط با نامحرم، ازدواج تحمیلی، دخالت دیگران، عدم کفویت، ویژگی‌های شخصیتی، سهل‌انگاری، مشکلات اقتصادی و مشکلات فیزیولوژیکی)، ۶ مؤلفه هسته‌ای (ناسازگاری، تزلزل عاطفی، روی گردانی، عدم تعهد، نافرمانی و ناکارآمدی جنسی) و ۴ پیامد (نفرت، خیانت، طلاق رسمی و اختلال در کارکرد اجتماعی) شناسایی شدند. همه مؤلفه‌ها از روایی محتوایی مطلوب برخوردار بودند. نتایج حاکی از آن است که طلاق عاطفی در چارچوب اسلامی، فرایندی تدریجی و چندبعدی است.

کلیدواژه‌ها: طلاق عاطفی، منابع اسلامی، تحلیل محتوای کیفی، اعتبار سنجی.

* کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، ایران (نویسنده مسئول: m.r.najafi137010@gmail.com)

** دانشیار گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

*** استادیار گروه خانواده، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴

مقدمه

خانواده به عنوان مهم ترین نهاد اجتماعی و بستر اصلی شکل گیری تعاملات انسانی، پایه و اساس زندگی مشترک را تشکیل می دهد و نقشی تعیین کننده در سلامت روانی و کارکردی اعضای خود ایفا می کند (عظیمی، اکبری، صالحی و نورمحمدی، ۱۳۹۹، ص ۴۹). ازدواج به عنوان پیوندی سرنوشت ساز، نقش کلیدی در شکل گیری کانون عاطفی و حمایتی ایفا می کند (نظامی، قمری، اسدی و امیری مجد، ۱۴۰۲، ص ۴). اهمیت روابط زناشویی به حدی است که اگر این رابطه به درستی مورد توجه قرار نگیرد، می تواند منجر به بروز تعارضات و چالش های عمیق در زندگی زناشویی شود (اعزاز، ۱۳۸۷، ص ۱۲). پژوهش ها نشان می دهد کیفیت روابط درون خانوادگی، به ویژه رضایت زناشویی، از طریق کاهش تنیدگی های روانی و ارتقای توانایی حل تعارض، موجب بهبود چشمگیر کیفیت روابط زوجین و ارتقای سطح بهداشت روانی خانواده می شود (باقری و فتحی آشتیانی، ۱۴۰۰، ص ۴۷). نادیده گرفتن کیفیت این پیوند و عدم توجه به سلامت رابطه، نه تنها بنیان خانواده را تضعیف می کند، بلکه در نهایت ممکن است به طلاق عاطفی و فروپاشی کانون خانواده منجر شود (مایرز، ماداثیل و تینگل،^۱ ۲۰۰۵، ص ۱۸۳-۱۹۰).



۴۶

طلاق عاطفی به عنوان یک فرآیند پیچیده روانی - اجتماعی، تدریجاً در بستر روابط زناشویی شکل می گیرد و توسعه می یابد. این پدیده به صورت تدریجی و در طول زمان با تضعیف تبادلات عاطفی بین زوجین ظهور پیدا می کند (جروان و آلفرحات،^۲ ۲۰۲۰). در این فرآیند، روابط عاطفی زوجین دستخوش فرسایش شده، از گفت و گوی متقابل اجتناب می ورزند و سازگاری روانی و محبت متقابل آنان رو به زوال می رود؛ درحالی که سایر جنبه های زندگی مشترک، از جمله مسکن و بیمه همچنان حفظ می شود (جمال نیک، فلسفی نژاد، خدابخشی کولایی، ۲۰۲۰، ص ۲۶۷ - ۲۷۶). از منظر روان شناختی، طلاق عاطفی معمولاً زمانی اتفاق می افتد که زن و شوهر عواطف و احساسات خود را از همسر خود دریغ می کنند که این امر ناشی از ناتوانی در بیان رضایت بخش هیجانات یا عدم توانایی در درک و مدیریت شدت احساسات است (الشهرانی و حماد، ۲۰۲۳، ص ۱۱). پل بوهانان این پدیده را مرحله آغازین فروپاشی روابط زناشویی می داند که در آن پیوندهای عاطفی به تدریج جای

1. Myers, J. E., Madathil, J. & Tingle, L. R.

2. Jarwan, A. S. & Al-frehat, B. M.

خود را به احساس بیگانگی می‌دهد (بوهانان،^۱ ۱۹۷۰، به نقل از: اولسن^۲ و دفراین،^۳ ۲۰۰۶، ص ۴۴۹). این وضعیت، زوجین را با تسلیم همراه با خودکم‌بینی از یک سو و سلطه‌گری همراه با نفرت از خویشتن از سوی دیگر مواجه می‌سازد. ویژگی‌های اصلی این پدیده شامل فقدان اعتماد، احترام و محبت متقابل است که در آن روابط سازنده به سرزنش، تخریب عزت نفس و جست‌وجوی عیوب تبدیل می‌شود (بوهانان، ۱۹۷۰، به نقل از: لاور،^۴ ۲۰۰۷، ص ۳۵۱). این وضعیت را ناشی از ناپختگی عاطفی و عدم رشد مهارت‌های ارتباطی می‌دانند که منجر به گسست هیجانی می‌شود (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۷، ص ۴۱۶). محققان تأکید می‌کنند که طلاق عاطفی ممکن است در هر مقطعی از یک رابطه زناشویی، اعم از قبل یا بعد از جدایی قانونی و طلاق، بدون توجه به وضعیت زندگی مشترک رخ دهد (دامو و سسنی،^۵ ۲۰۲۱، ص ۵۰۵ - ۵۱۸). با بررسی جامع نظریه‌های مختلف، باید اذعان نمود که علی‌رغم تلاش‌های متعدد، تعریف دقیق و واحدی از طلاق عاطفی وجود ندارد، اما این پدیده عموماً با مجموعه‌ای از شاخص‌های عاطفی - روان‌شناختی شامل فقدان درک عاطفی، نارضایتی زناشویی، فقدان صمیمیت، بی‌علاقگی نسبت به احساسات یکدیگر، عدم توجه به احساسات و فاصله عاطفی قابل شناسایی است.

با توجه به ماهیت پنهان و غیررسمی طلاق عاطفی، بررسی فرایند شکل‌گیری و تطور این پدیده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حالی که مطالعات موجود عمدتاً بر طلاق رسمی متمرکز بوده‌اند، اما پژوهشگران بر این باورند که شناخت فرایند طلاق عاطفی به‌عنوان پدیده‌ای پیش‌زمینه‌ای و بنیادین نسبت به طلاق رسمی، از ضرورت‌های پژوهش در حوزه آسیب‌شناسی خانواده به‌شمار می‌آید (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۴). آنچه در بطن خانواده در جریان است، سطح پنهان‌تری از جدایی رسمی است که غالباً بدون ثبت و گزارش باقی می‌ماند (رشید، حسونند، نبی‌زاده و رشتی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۸). بر این اساس، واکاوی نظام‌مند فرایندهای تدریجی شکل‌گیری، تشدید و تثبیت طلاق عاطفی می‌تواند به درک عمیق‌تری از این پدیده منجر شود. مرور نظام‌مند پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مطالعات در حوزه طلاق عاطفی با

1. Bohanan, Paul

2. Olsen, D. H.

3. DeFrain, J

4. Lauer, Robert H

5. Damo & Cenci

تمرکز بر رویکردهای روان‌شناختی و با محدودیت نمونه‌های کوچک در زمینه‌های فرهنگی خاص طراحی شده‌اند. برای نمونه، پژوهش‌هایی مانند «پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های دلبستگی، صمیمیت زناشویی و هوش هیجانی زوجین» (رضایی و رضایی، ۱۳۹۹)، به بررسی روابط بین متغیرهای مختلف پرداخته‌اند؛ همچنین مطالعه «پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان‌خواهی با میانجیگری تاب‌آوری» (علاقبند، شریفی، فرزاد و آقاییوسفی، ۱۳۹۹)، به تحلیل روابط چندمتغیره توجه داشته است. در بعد فرایندمحوری، پژوهش کیفی «تبیین فرایند شکل‌گیری طلاق: یک پژوهش کیفی» (خجسته‌مهر، بهمنی، سودانی و عباسپور، ۱۳۹۹)، به‌وضوح مراحل مختلف شکل‌گیری این پدیده را ترسیم می‌کند. به‌طور مشابه، مطالعه «تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن» (رمضانی‌فر، کلدی و قدیمی، ۱۴۰۰) نشان می‌دهد که این پدیده از توالی مشخصی از تعارض‌های حل‌نشده و کاهش تبدلات عاطفی پیروی می‌کند؛ همچنین پژوهش «مدل علی‌گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین با میانجیگری دل‌زدگی زناشویی» (خسروی، مرادی، احمدیان و یوسفی، ۱۳۹۸)، به بررسی روابط ساختاری بین متغیرهای مختلف پرداخته است. این مطالعات در کنار پژوهش‌های دیگری که به تحلیل چندمتغیره و فرایندی این پدیده پرداخته‌اند، گویای ضرورت توجه به ابعاد پیچیده و چندسطحی طلاق عاطفی هستند.

همچنین در منابع اسلامی نیز، پدیده طلاق عاطفی به‌عنوان یک مسئله چندبعدی از منظر دینی مورد تحلیل قرار گرفته است. در روایات معصومین علیهم‌السلام نیز، شاخص‌های عینی فروپاشی عاطفی شامل «سردی عاطفی»^۱ (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۲۹)، «افول ارتباطات کلامی» (حر عاملی، ۱۹۸۹، ج ۲۰، ص ۱۶۳)^۲ و «تقصیر در انجام حقوق زوجیت»^۳ (صدوق، ۱۹۹۲، ج ۳، ص ۲۷۶) تبیین شده است. از منظر فقه اسلامی، برخی چارچوب‌های کلیدی برای تحلیل این پدیده ارائه شده که از جمله آنها می‌توان به نشوز به‌عنوان امتناع از انجام وظایف زناشویی (نساء: ۳۴ و ۱۲۸)، عسر و حرج به‌عنوان

۱. «أَيُّمَا امْرَأَةٍ آذَتْ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صَرْفًا وَلَا عَدْلًا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَهُ وَإِنْ صَامَتْ نَهَارَهَا وَقَامَتْ لَيْلَهَا وَأَعْتَقَتْ الرِّقَابَ وَحَمَلَتْ عَلَى جِنَادِ الْخَيْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِي النَّارَ وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِمًا»
 ۲. قال رسول الله ﷺ: «إِنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَتَرْضِيَهُ وَإِنْ صَامَتْ الدَّهْرَ وَقَامَتْ وَأَعْتَقَتْ الرِّقَابَ... وَعَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوُزْرُ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا»
 ۳. پیامبر اکرم ﷺ: «إِنَّ لَكُمْ عَلَيْنَ نَسَائِكُمْ حَقًّا وَلِنِسَاءِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا»

وضعیت مشقت‌بار غیر قابل تحمل (بقره: ۱۸۵)، لعان به‌عنوان مکانیسم حل تعارضات عمیق اعتمادی (نور: ۶ - ۹)،ظهار به‌عنوان یکی از اشکال طلاق عاطفی در دوران جاهلی (مجادله: ۱ - ۴) و شقاق به‌عنوان کلیدی‌ترین مفهوم در تحلیل گسست عاطفی (نساء: ۳۵) اشاره کرد. بر اساس روایت امام صادق (ع): «إِذَا تَشَاقَّ الزَّوْجَانِ فَهُوَ الشِّقَاقُ» (حر عاملی، ۱۹۸۹، ج ۱۵، ص ۳۲۱) که نشان‌دهنده تأکید اسلام بر تشخیص به موقع و مداخله در بحران‌های زناشویی است. مطالعات معاصر نیز با بهره‌گیری از این چارچوب‌ها به تحلیل این پدیده پرداخته‌اند، از جمله پژوهش «مدل مفهومی عوامل تعارض زوجین در قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان» توسط رفیعی‌هنر و همکاران (۱۴۰۰) که به شناسایی ریشه‌های تعارض زناشویی از منظر قرآن پرداخته. مطالعه «طلاق عاطفی و راهکارهای قرآنی پیشگیری از آن» توسط یوسفی‌مقدم و دین‌پرست (۱۴۰۰) که راهکارهای پیشگیرانه قرآنی را بررسی نموده. تحقیق «واژگان مرتبط با طلاق عاطفی در فقه اسلامی» از مجیدی نظامی (۱۴۰۰) که مفاهیم کلیدی فقهی را تحلیل کرده، و پژوهش «الگوی تصمیم‌گیری برای طلاق بر اساس منابع اسلامی در فرایند مشاوره زوجین»، اثر مخدومی (۱۴۰۲) که به ارائه الگویی اسلامی برای مداخله در بحران‌های زناشویی پرداخته است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد نظام حقوقی - اخلاقی اسلام نه تنها به ترسیم رابطه آرمانی، بلکه به ارائه مکانیسم‌های عملی برای پیشگیری، تشخیص و مداخله در بحران‌های عاطفی پرداخته است.

با بررسی وضعیت طلاق عاطفی در پژوهش‌های صورت گرفته، این واقعیت آشکار می‌شود که مطالعات روان‌شناختی موجود عمدتاً در سطح توصیفی به بررسی کلان تعارضات زناشویی اکتفا نموده و فاقد رویکردی تحلیلی - فرآیندی در تبیین سیر تطور طلاق عاطفی هستند. از سوی دیگر، پژوهش‌های اسلامی با اتکای بر پارادایم اثبات‌گرایی، عموماً به مدل‌سازی کمی متغیرهای گسسته بسنده کرده و از تبیین همه‌جانبه پویایی‌های تعاملی این پدیده غافل مانده‌اند. این تقلیل‌گرایی روش‌شناختی منجر به غفلت از ابعاد پیچیده و چندسطحی طلاق عاطفی گردیده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با اتکا به منابع دست اول اسلامی، درصدد است با تدوین مدل فرآیندی طلاق عاطفی به این نیاز نظری پاسخ گوید. دستیابی به چنین الگویی می‌تواند مبنایی برای توسعه پروتکل‌های مداخله‌ای بومی و انجام پژوهش‌های آتی در این حوزه فراهم آورد.

روش تحقیق

این پژوهش به دنبال تبیین شکل‌گیری، نشانگان و پیامدهای طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی است. از همین رو جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا کیفی^۱ سیه و شانون^۲ استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی برای بررسی کلمات، مفاهیم، واژه‌ها، مضامین عبارات و جملات خاص از یک متن یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود (سیه و شانون، ۲۰۰۵). در این راستا، جملات توصیفی و تبیینی مرتبط با طلاق عاطفی در قرآن و روایات اسلامی به‌طور دقیق بررسی شده و با استفاده از فرایندهای کدگذاری باز اولیه و ثانویه، محوری و انتخابی، مفاهیم و مؤلفه‌های مشیر به عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی استخراج شده‌اند (محمدپور، ۱۳۹۸، ص ۲۹۷). هدف از این مرحله، شناسایی عوامل کلیدی طلاق عاطفی در چارچوب آموزه‌های اسلامی بوده است. همچنین در جهت روایی یابی، از روش توصیفی زمینه‌یابی^۳ استفاده شده است. روش توصیفی زمینه‌یابی برای بررسی اتفاق نظر کارشناسان خبره درباره یک موضوع، رتبه‌بندی نظرات (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۲، ص ۸۴) و به‌طور کلی «روایی محتوایی»^۴ استفاده می‌شود. نمونه‌گیری در این پژوهش، غیرتصادفی^۵ و از نوع هدفمند - د^۶ است. متداول‌ترین نمونه‌گیری در روش‌های کیفی، نمونه‌گیری هدفمند یا همان معیار - محور^۷ است.

این پژوهش در گام تشکیل حوزه معنایی و استخراج فرایند طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی دارای جامعه متنی و برای بررسی روایی محتوایی مفاهیم مشیر به عوامل طلاق عاطفی دارای یک جامعه آماری است.

۱. جامعه متنی پژوهش در استخراج فرایند طلاق عاطفی: منظور از جامعه در این بخش، کلیه جملات توصیفی و تبیینی موجود در آیات و روایات است. در این بخش به منظور استخراج مفاهیم مشیر به فرایند طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی از روش معناشناسی زبانی استفاده شد. شالوده حوزه معنایی این است که اشتراک در یک ویژگی می‌تواند عاملی برای طبقه‌بندی واژه‌های در یک حوزه باشد (شجاعی، جان‌بزرگی، عسگری، غروی و پسندیده، ۱۳۹۳، ص ۱۳). این روش بر دو شیوه

پژوهش‌های
روانشناسی

۵۰

پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

1. qualitative content analysis

2. Hsieh, H. F. & Shannon, S. E.

3. survey

4. content validity

5. nonrandom

6. purposive sampling

7. criterion sampling

تحلیل مؤلفه‌ای^۱ و معناشناسی ساخت‌گرا استوار است (لیونز،^۲ ۲۰۰۹، به نقل از: نوری، ۱۳۹۵، ص ۱۱) که در این پژوهش از هر دو شیوه استفاده شده است. با تشکیل حوزه معنایی طلاق عاطفی در لغت، در نهایت ۲۴ لغت به دست آمد که عبارت‌اند از: العزل، العاطفه، القطع، تفریق، الحرمان، زوج المطلق، الزوال، الحب، الخال، الفتره، المسافه، النزاع، التعارض، الشقاق، الوثوق، العهد، الزام، السلاله، الشعور، العاشر، الاندماج، القربه، الفصل، الطلاق (نجفی، احمدی، رضاییان، ۱۴۰۳). در مرحله بعد با توجه به مفاهیم مرتبط مستخرج از حوزه معنایی، روایات استفاده شده بر اساس طبقه‌بندی (طباطبایی، ۱۳۹۳) در منابع روایی سطوح «الف»، «ب» و «ج» و تمام‌خوانی کتاب تحکیم خانواده (محمّدی ری شهری، پسندیده، ۱۳۸۹) و بخشی از میزان الحکمه (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۳) صورت گرفته است.

۲. جامعه آماری پژوهش در بررسی روایی محتوایی: جامعه آماری این بخش را کارشناسان خبره‌ای که در حیطه فهم و استنباط منابع اسلامی و رشته روان‌شناسی آگاه و نسبتاً در یک سطح باشند، تشکیل می‌دهد (سیف، ۱۳۹۰، به نقل از: عباسی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳). از همین رو کارشناسان این پژوهش ۹ نفر بوده است که دارای تحصیلات حوزوی در سطوح سوم یا چهارم فارغ‌التحصیل بودند و در تحصیلات دانشگاهی روان‌شناسی نیز دارای مدرک تخصصی دکتری یا در حال تدوین پایان‌نامه دکتری بودند.

در نهایت برای بررسی روایی مؤلفه‌های طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی از ضریب‌های نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) با کمک جدول خبرگان استفاده شده است (لاوشه،^۳ ۱۹۷۵). تمامی مؤلفه‌ها با میانگین نمرات بالاتر از حد استاندارد (۰/۷۸) مورد تأیید قرار گرفتند. این نتایج نشان‌دهنده توافق کامل میان کارشناسان بوده و بیانگر این است که مؤلفه‌های طراحی شده برای فرایند، دارای روایی محتوایی قابل قبولی برای استفاده در پژوهش‌های بعدی هستند.

یافته‌ها

تحلیل محتوای کیفی انجام شده بر پایه ۱۸۱۲ آیه و روایت اسلامی آغاز گردید که پس از ارزیابی دقیق اعتبار سند و ارتباط مفهومی، ۳۷۶ مورد به عنوان منابع معتبر و مستقیماً قابل استناد انتخاب

1. componential analysis

2. Lyons, J.

3. Lawshe, C. H.

شدند. در فرآیند کدگذاری نظام‌مند، از این ۳۷۶ روایت نهایی، ابتدا ۳۷۶ کد اولیه استخراج گردید که پس از ادغام مفاهیم هم‌پوشان و مرتبط، به ۲۸۷ کد باز متمرکز تقلیل یافت. در مرحله تحلیل عمیق‌تر، با بررسی روابط بین مفاهیم و خوشه‌بندی مضامین، ۷۲ کد محوری شناسایی شد. نهایتاً با ترکیب نظام‌مند این مفاهیم در سطح کلان‌تر، ۹ کد انتخابی به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادین طلاق عاطفی در منظومه فکری اسلامی تثبیت گردید. این سیر تحلیلی که از ۱۸۱۲ منبع اولیه آغاز و با استناد مستقیم به ۳۷۶ روایت معتبر به ۹ هسته مفهومی کلیدی منتهی شد، پایه‌های نظری مدل مفهومی پژوهش را تشکیل می‌دهد که تمامی ابعاد طلاق عاطفی در سنت اسلامی را پوشش می‌دهد.^۱

جدول ۱: فرایند کدگذاری و مقوله‌بندی الگوی طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی

ردیف	مفهوم	مقوله	تم
۱	ازدواج بی‌موقع	اختلاف سنی	عوامل
۲	هم‌سن نبودن		
۳	ارتباط پنهانی	ارتباط با نامحرم	
۴	ارتباط نامتعارف		
۵	بی‌عفتی		
۶	دوشیزه نبودن		
۷	ازدواج اجباری	ازدواج تحمیلی	
۸	ازدواج تحمیلی		
۹	اکراه در ازدواج		
۱۰	تجسس دیگران در روابط	دخالت دیگران	
۱۱	دخالت‌های غیرمادی		
۱۲	اختلاف در باورها	عدم کفویت	
۱۳	اختلاف در طبقه اقتصادی		
۱۴	اختلاف در فرهنگ دینی		
۱۵	عدم کفویت		
۱۶	عدم کفویت ظاهری		
۱۷	اختلاف در فرهنگ تربیتی		
۱۸	اختلاف در کنترل هیجانات	ویژگی‌های شخصیتی	
۱۹	اختلال شخصیتی		
۲۰	اختلال عصبی - رشدی		
۲۱	افسردگی		
۲۲	عدم ارتباط‌گیری صحیح	سهل‌انگاری	

۱. به دلیل ملاحظات نگارشی، از ارائه جزئیات مراحل میانی تحلیل خودداری شده و نتایج نهایی مستقیماً ارائه گردیده است.

ردیف	مفهوم	مقوله	تم
۲۳	آگاه نبودن		
۲۴	تأمین نکردن نیازهای اولیه	مسئله اقتصادی	
۲۵	تدبیر مالی نداشتن		
۲۶	دخالت در مسائل اقتصادی زن		
۲۷	درآمد کافی نداشتن		
۲۸	ناعدالتی در پرداخت حقوق مالی زن		
۲۹	ناباروری	زمینه‌های فیزیولوژیکی	
۳۰	نقصان جسمی داشتن		
۳۱	نقصان ژنتیکی		
۱	بیزاری	نفرت	پیامدها
۲	تهدید		
۳	جدایی فیزیکی		
۴	شکسته شدن حرمت‌ها		
۵	توقف در تولید نسل	اختلال در کارکرد اجتماعی	
۶	تزلزل در بنیان خانواده		
۷	طلاق	طلاق رسمی	
۸	طلاق خلع		
۹	خیانت جنسی	خیانت	
۱۰	خیانت عاطفی		
۱۱	با دیگران بودن		
۱	توهین کردن	ناسازگاری	مؤلفه‌ها
۲	بدخلقی		
۳	بددهنی		
۴	بد رفتاری		
۵	تحقیر کردن		
۶	تهمت زدن		
۷	سازگار نبودن		
۸	لج‌بازی کردن		
۹	مدارا نکردن	تزلزل عاطفی	
۱۰	آرامش نداشتن		
۱۱	خودنمایشی برای دیگران		
۱۲	دلخوری		
۱۳	عدم تمایل عاطفی		
۱۴	سرد شدن روابط		
۱۵	شکاف عاطفی		
۱۶	محبت نکردن به یکدیگر		

ردیف	مفهوم	مقوله	تم
۱۷	همدلی نکردن با یکدیگر		
۱۸	بی‌اهمیتی به امور منزل	روی‌گردانی	
۱۹	تلاش نکردن برای مهارت‌های ارتباطی		
۲۰	عدم آراستگی		
۲۱	وقت نگذاشتن با یکدیگر		
۲۲	همراهی نکردن با کارهای همسر		
۲۳	امانت‌دار نبودن	متعهد نبودن	
۲۴	بدون اجازه از منزل خارج شدن		
۲۵	رعایت نکردن حقوق زناشویی		
۲۶	مسئولیت‌پذیر نبودن		
۲۷	بدون اجازه همسر از منزل خارج شدن	نافرمانی	
۲۸	نافرمانی زن از همسر		
۲۹	اختلال جنسی	ناکارآمدی جنسی	
۳۰	خیانت جنسی		
۳۱	روی‌گردانی جنسی		
۳۲	طرد جنسی		

روایی سنجی

در این پژوهش، به‌منظور سنجش روایی محتوایی مقوله‌های شناسایی شده در خصوص فرایند طلاق عاطفی از دیدگاه اسلامی، از نظرات ۹ نفر از متخصصان برجسته در دو حوزه روان‌شناسی خانواده و علوم اسلامی استفاده شد. گروه خبرگان شامل افرادی بودند که دارای مدرک دکتری تخصصی در رشته‌های روان‌شناسی یا مشاوره خانواده بوده و هم‌زمان تحصیلات حوزوی در سطوح سه و چهار (معادل کارشناسی ارشد و دکتری حوزوی) را نیز به پایان رسانده بودند. این ترکیب تخصصی به‌منظور دستیابی به ارزیابی‌های جامع از منظر روان‌شناختی و اسلامی طراحی شده بود.

برای سنجش دقیق روایی محتوا، از دو شاخص علمی نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) بر اساس روش‌شناسی لاوشه (۱۹۷۵) استفاده گردید. نتایج حاصل از این ارزیابی‌ها که در جدول (۲) ارائه شده است، نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌های شناسایی شده با میانگین نمراتی بالاتر از حد استاندارد ۷۸ درصد مورد تأیید قرار گرفته‌اند. این سطح از توافق میان خبرگان، حاکی از روایی محتوایی مطلوب و قابلیت اعتماد بالای ابزار طراحی شده برای استفاده در پژوهش‌های آتی در این حوزه می‌باشد.

جدول ۲: میزان روایی مقوله‌های طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی

شماره	مقوله	CVR			CVI			میانگین نمرات کارشناسان
		کارشناسان	نمره	وضعیت	کارشناسان	نمره	وضعیت	
۱	اختلاف سنی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۹۸
۲	ارتباط با نامحرم	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۹۳
۳	ازدواج تحمیلی	۹	۱	تأیید	۹	۰/۹۷	تأیید	۳/۸۵
۴	دخالت دیگران	۹	۱	تأیید	۹	۰/۹۶	تأیید	۳/۷۶
۵	عدم کفویت	۹	۱	تأیید	۹	۰/۹۶	تأیید	۳/۶۲
۶	ویژگی‌های شخصیتی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۷۵
۷	سهل‌انگاری	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۰۶
۸	مسئله اقتصادی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۸۱
۹	زمینه‌های ژنتیکی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۷۷
۱۰	تزلزل عاطفی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۶۷
۱۱	ناسازگاری	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۹۰
۱۲	روی‌گردانی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۷۸
۱۳	متعهد نبودن	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۸۲
۱۴	نافرمانی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۴
۱۵	ناکارآمدی جنسی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۷۸
۱۶	نفرت	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۷۰
۱۷	طلاق	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۸۵
۱۸	خیانت	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۸۹
۱۹	اختلال در کارکرد اجتماعی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۸۶

تبیین و ترسیم نهایی مدل فرایندی طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی

عناصر زمینه‌ای طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی به‌طور کلی شامل نه مقوله هستند که برخی به‌عنوان علل اصلی و برخی به‌عنوان مداخله‌گر^۱ در این فرایند شناخته می‌شوند. از جمله علل اصلی می‌توان به اختلاف سنی، ازدواج تحمیلی، سهل‌انگاری در انتخاب همسر و زمینه‌های ژنتیکی اشاره کرد. این مقوله‌ها به‌طور مستقیم بر کیفیت روابط زناشویی و تشکیل زندگی مشترک تأثیر می‌گذارند. از سوی دیگر، دخالت دیگران در روابط و بقیه موارد به‌عنوان عوامل مداخله‌گر شناخته می‌شوند که نه تنها بر پایداری روابط اثرگذارند، بلکه می‌توانند به تشدید مشکلات موجود و

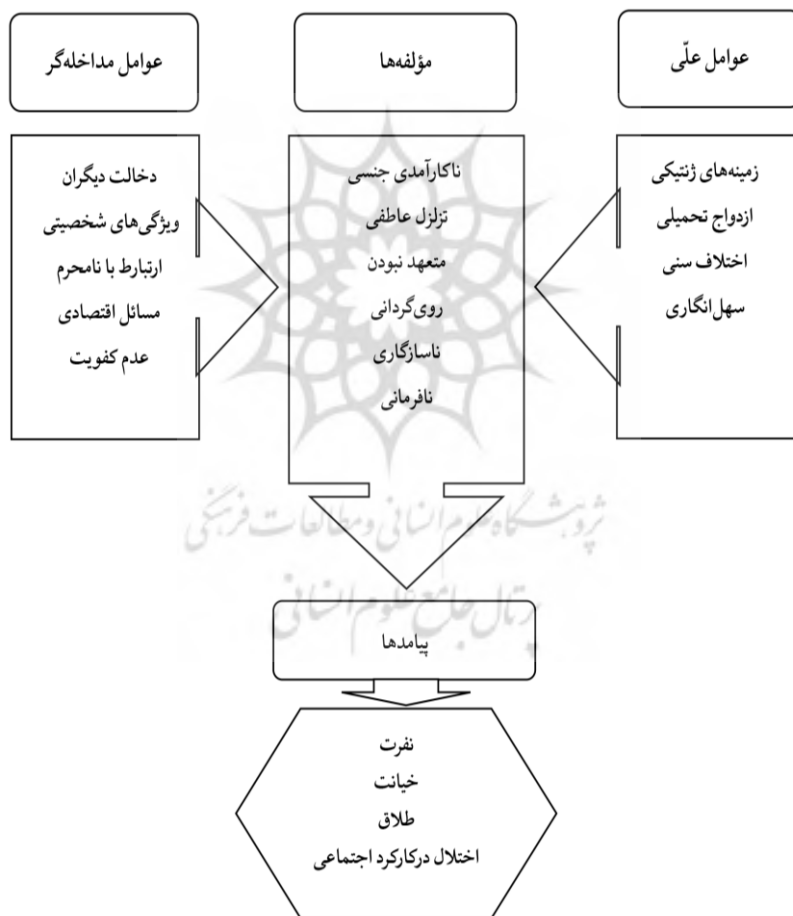
۱. علل به عواملی اشاره دارند که از ابتدا یا پیش از ازدواج در زندگی زوجین وجود دارند و بعد از ازدواج قابل تغییر یا کنترل نیستند؛ درحالی‌که مداخله‌گرها عواملی هستند که پس از ازدواج بروز پیدا می‌کنند و می‌توان با تلاش و تعامل مشترک زوجین آنها را کنترل، کاهش یا حتی از بین برد.

افزایش تنش‌های عاطفی میان زوجین منجر شوند.

عناصر هسته‌ای طلاق عاطفی شامل نشانه‌هایی است که به‌طور مستقیم در روابط زناشویی نمایان می‌شوند. تزلزل عاطفی به‌عنوان یکی از این نشانه‌ها، خود را در عدم همدلی، محبت متقابل و شکاف‌های عاطفی میان زوجین نشان می‌دهد. این وضعیت می‌تواند به کاهش تعاملات مثبت و سردی در روابط منجر شود. ناسازگاری نیز به‌ویژه در قالب بدخلقی، تحقیر، لجبازی و عدم مدارا به‌عنوان یکی دیگر از نشانه‌ها بروز می‌یابد که به تضعیف ارتباطات عاطفی و افزایش تنش‌ها در زندگی مشترک می‌انجامد. روی‌گردانی از همسر که در بی‌توجهی به نیازهای عاطفی، روانی و فیزیکی طرف مقابل تجلی می‌کند، یک نشانه برجسته است که می‌تواند به کاهش صمیمیت و فاصله عاطفی میان زوجین منجر شود. متعهد نبودن که به‌صورت عدم امانت‌داری و نقض حقوق زناشویی بروز می‌کند، به‌عنوان نشانه‌ای از تزلزل در رابطه شناخته می‌شود که باعث کاهش اعتماد و صمیمیت میان زوجین می‌شود. نافرمانی که در عدم اطاعت از خواسته‌های همسر و نادیده گرفتن حقوق متقابل نمایان می‌شود، به‌عنوان نشانه‌ای از بی‌احترامی و افزایش تنش‌ها عمل می‌کند. ناکارآمدی جنسی نیز به‌عنوان یکی از عناصر هسته‌ای طلاق عاطفی خود را در اختلالات جنسی، خیانت و بی‌توجهی به نیازهای جنسی نشان می‌دهد که می‌تواند آسیب‌های جدی به پیوند عاطفی میان زوجین وارد کند. این نشانه‌ها همگی به‌عنوان اجزای اصلی طلاق عاطفی، تأثیرات منفی قابل توجهی بر کیفیت رابطه زناشویی دارند.

پیامدهای طلاق عاطفی به‌عنوان نتایج اولیه‌ای که از فروپاشی ارتباط عاطفی میان زوجین ناشی می‌شود، می‌توانند تأثیرات عمده‌ای بر روابط فردی و اجتماعی افراد داشته باشند. این پیامدها شامل نفرت و بی‌میلی میان زوجین است که باعث کاهش اعتماد و محبت در زندگی مشترک می‌شود و ممکن است به فاصله‌گیری عاطفی و حتی جدایی فیزیکی منتهی گردد. در نتیجه، طلاق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیامدهای طلاق عاطفی به وقوع می‌پیوندد که خود می‌تواند پیامدهای عاطفی و روانی سنگینی برای طرفین به دنبال داشته باشد، مانند بحران‌های عاطفی پس از طلاق که در زندگی جدید فرد نمایان می‌شود. خیانت نیز از دیگر پیامدهای مهم طلاق عاطفی است که در نتیجه عدم برآورده شدن نیازهای عاطفی در زندگی زناشویی به وجود می‌آید و می‌تواند منجر به روابط خارج از ازدواج گردد. این امر علاوه بر آسیب به بنیان خانواده، می‌تواند به بحران‌های اجتماعی گسترده‌تری منتهی شود. از سوی دیگر، اختلال در کارکرد اجتماعی نیز، پیامدی است که

به دنبال طلاق عاطفی به وجود می‌آید و افراد ممکن است در روابط اجتماعی خود دچار مشکلات عمیقی شوند که تأثیرات منفی بر زندگی شخصی و اجتماعی آنها خواهد داشت. هریک از این پیامدها در ابتدا به‌عنوان نتایج اولیه طلاق عاطفی نمایان می‌شود، اما این موارد می‌توانند به پیامدهای ثانویه‌تری منتهی شوند که به‌طور گسترده‌تر بر فرد و جامعه تأثیر می‌گذارند، مانند افسردگی، اضطراب، کاهش اعتماد به نفس و دیگر مشکلات روانی و اجتماعی. بنابراین پیامدهای اولیه طلاق عاطفی نه تنها به‌طور مستقیم زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند به مشکلات عمیق‌تر و پیچیده‌تری در ابعاد فردی و اجتماعی منجر گردد.



شکل ۱: مدل فرایندی طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی

بحث و نتیجه‌گیری

بخش حاضر با هدف تبیین و تحلیل نظام‌مند یافته‌های پژوهش در قالب یک مدل فرایندی، به ارائه جمع‌بندی نهایی می‌پردازد. در این راستا، پس از مرور اجمالی سیر تحلیلی از عوامل زمینه‌ساز تا مؤلفه‌های هسته‌ای و پیامدهای طلاق عاطفی، مقایسه تطبیقی یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین صورت می‌گیرد. این مقایسه با تأکید بر وجوه تمایز و نوآوری‌های محتوایی و روشی مدل حاضر، به‌ویژه در تبیین پویایی‌های فرایندی و استنباط از منابع دست اول اسلامی انجام می‌شود. در نهایت، کاربردهای عملی مدل پیشنهادی و همچنین محدودیت‌های پژوهش و پیشنهادهایی برای مطالعات آتی ارائه خواهد شد تا تصویری جامع از دستاوردها و افق‌های پیش روی این عرصه پژوهشی ترسیم گردد.

در تبیین مدل فرایندی طلاق عاطفی، عوامل زمینه‌ساز به‌عنوان نقطه آغاز این چرخه، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. این عوامل در نه مقوله قابل دسته‌بندی هستند که برخی جنبه علی و بنیادین داشته و برخی دیگر به‌عنوان عوامل میانجی و مداخله‌گر در طول زندگی مشترک عمل می‌کنند. اختلاف سنی به‌عنوان یک عامل علی، تنها به تفاوت عددی خلاصه نمی‌شود، بلکه ناهمگونی در بلوغ عاطفی و روانی را در پی دارد که توانایی مواجهه با چالش‌های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. منابع اسلامی با اشاره به لزوم بلوغ و رشد برای ازدواج (نساء: ۶)^۱ و نیز توصیه به توجه به تناسب سنی برای ایجاد الفت و درک متقابل (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۹۸)^۲ بر این امر صحه می‌گذارند. عامل علی دیگر، ازدواج تحمیلی است که با نادیده گرفتن حق انتخاب و آزادی اراده فرد، بنیان زندگی را بر بی‌میلی و اجبار استوار می‌سازد. آیات و روایات به‌صراحت از ارث بردن زنان به اکراه نهی کرده (نساء: ۱۹)^۳ و حق مخالفت و انتخاب آزادانه را برای دختران به رسمیت شناخته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۰۱)^۴. چنین ازدواجی محبت و سازگاری را که رکن رابطه است، تضعیف می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۹۸)^۵. سهل‌انگاری در انتخاب همسر نیز به‌عنوان یک عامل علی،

۱. «وَابْتَئُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ»

۲. «أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ: قِيلَ لَهُ إِنَّا نَزَوَّجُ صَبِيَّانَنَا وَهُمْ صِغَارٌ فَقَالَ إِذَا زَوَّجُوا وَهُمْ صِغَارٌ لَمْ يَكَادُوا يَتَأَلَّفُوا»

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِزُ لَكُمْ أَنْ تَرْثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا»

۴. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ امْرَأَةً وَإِنَّ أَبَوَيَّ أَرَادَا غَيْرَهَا قَالَ تَزَوَّجِ النَّبِيَّ هُوَ يَتَّعِزُّ بِهَا وَيَهْوِي أَبْوَالَهَا»

۵. «أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ: قِيلَ لَهُ إِنَّا نَزَوَّجُ صَبِيَّانَنَا وَهُمْ صِغَارٌ فَقَالَ إِذَا زَوَّجُوا وَهُمْ صِغَارٌ لَمْ يَكَادُوا يَتَأَلَّفُوا»

با تأکید بر دوری از تصمیم‌گیری‌های هیجانی و لزوم شناخت دقیق و بررسی آگاهانه ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی طرف مقابل (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۶۵)،^۱ از همان ابتدا بستر تعارضات آینده را فراهم می‌آورد. به همین ترتیب، زمینه‌های ژنتیکی و سلامتی، اگرچه ممکن است مستقیماً باعث طلاق عاطفی نشوند، اما با ایجاد چالش‌هایی مانند ناباروری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۳)^۲ یا انتقال بیماری‌های ارثی و مشکلات روانی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۳)^۳ استرس و تنش مضاعفی را به رابطه وارد کرده و به‌عنوان یک عامل علی استحکام عاطفی آن را می‌آزمایند.

در کنار این عوامل علی، پنج عامل به‌عنوان زمینه‌سازان میانجی در طول زندگی مشترک فعال می‌شوند. ارتباط با نامحرم به‌عنوان تهدیدی برای حریم اعتماد و صمیمیت زناشویی، پایه‌های رابطه را سست می‌کند. این امر نه تنها با توصیه به پاک‌دامنی و دوری از روابط پنهانی (نساء: ۲۵)^۴ و تشبیه زنان به مرواریدهای گران بها (واقعه: ۲۳)^۵ مورد تأکید قرار گرفته، بلکه عفت و دوشیزگی به‌عنوان نماد تعهد، عاملی برای تحکیم بنیان خانواده معرفی شده است (واقعه: ۳۶).^۶ دخالت دیگران در حریم خصوصی زوجین، آفتی است که با ایجاد شکاف و بی‌اعتمادی، فضای امن رابطه را مخدوش می‌کند. تعالیم دینی با نهی شدید از تجسس (حجرات: ۲۲)^۷ و نیز هشدار درباره نقش تفرقه‌افکن شیطان در ایجاد دشمنی بین زوجین (بقره: ۱۰۲)،^۸ بر لزوم حفظ این حریم تأکید دارند.

۱. «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) - عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ أَيْنَظُرُ إِلَيْهَا قَالَ نَعَمْ إِنَّمَا تَشْتَرِيهَا بِأَعْلَى السَّمَنِ»؛ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَيْنَظُرُ الرَّجُلَ إِلَى الْمَرْأَةِ يُرِيدُ تَزْوِيجَهَا فَيَنْظُرُ إِلَى شَعْرِهَا وَمَخَاسِنِهَا قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُتَلَدِّدًا»
۲. «قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) تَزَوَّجُوا بَكَرًا وَلَوْ دَا وَلَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»
۳. «عنه (ص) إِيخَارُوا لِيُظْفِقُكُمْ ، فَإِنَّ الْخَالَ أَخَذَ الصَّجِيعِينَ»
۴. «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّحِدَاتٍ أَخَذَ إِنْ قَادَا أُخْصِيَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تُصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»
۵. «كَأَمْثَالِ اللَّوْلُو الْمَكُونِ»
۶. «فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا»
۷. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَلَيْسَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ»
۸. «وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكٍ سَلِيمٍ وَمَا كَفَرَ سَلِيمَانٌ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»

عدم کفویت به‌ویژه در ابعاد اعتقادی، فرهنگی و تربیتی، به‌عنوان عاملی میانجی، درک متقابل و هم‌نوایی در مواجهه با مشکلات را دشوار می‌سازد. آیات قرآن همسانی طبیات برای طیبان را مطرح کرده (نور: ۲۶)^۱ و از ازدواج با مشرکان به شدت نهی نموده (بقره: ۲۲۱)^۲ و روایات نیز بر هم‌کفو بودن در دین و فرهنگ (حر عاملی، ۱۹۸۹، ج ۲۰، ص ۷۹)^۳ و حتی تأثیر اصالت خانوادگی (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۳۲)^۴ در موفقیت ازدواج اصرار دارند. ویژگی‌های شخصیتی نامناسب مانند عدم کنترل هیجانات، خودخواهی و مشکلات روانی، بستری مستعد برای تعارض و نارضایتی ایجاد می‌کنند. منابع اسلامی بر خلق نیکو (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۴۶)^۵ صبر زن در برابر سختی‌ها (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۹)^۶، پرهیز از خودبرتربینی (حجرات: ۱۳)^۷ و دوری از ازدواج با افراد دارای مشکلات روانی جدی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۵۴)^۸ به‌عنوان ارکان سلامت رابطه تأکید کرده‌اند. در نهایت، مسئله اقتصادی و کوتاهی در تأمین نیازهای اولیه و حقوق مالی زن، آرامش و امنیت روانی خانواده را خدشه‌دار می‌سازد. تأکید بر انفاق و تأمین معیشت (بقره: ۲۱۵)^۹ مشخص بودن وظیفه مرد در تأمین خوراک، پوشاک و مسکن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۱)^{۱۰} و نیز لزوم رعایت حقوق مالی زن (نساء: ۳۲)^{۱۱}، نشان می‌دهد که بستر اقتصادی ناسالم می‌تواند به عاملی برای دلسردی و

۱. «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثَاتُ لِلْطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّغُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»

۲. «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَكُمْ مُمْمَنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»

۳. «عنه ﷺ: شارب الخمر لا يزوجه إذا خطب»

۴. «رسول الله ﷺ: تزوجوا في الحجز الصالح، فإن العرق دئاس»

۵. «الإمام الحسن ﷺ: لو رجل جاء إليه يستشير في تزويج ابن: زوجه من رجل يقي، فإنه إن أحبها أكرمها، وإن أبغضا لم يظلمها»

۶. «الإمام علي ﷺ: كتب الله الجهاد على الرجال والنساء، فجهاد الرجل بذل ماله ونفسه حتى يقتل في سبيل الله، وجهاد المرأة أن تصبر على ما ترى من أذى زوجها وغيرته»

۷. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»

۸. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِنَّا كُمْ وَتَزْوِجُ الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَوَلَدُهَا ضَيْعَاءٌ»

۹. «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّهِ وَلِلْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِلْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»

۱۰. «جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَسَأَلَتْهُ عَنْ حَقِّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَخَبَرَهَا ثُمَّ قَالَتْ مَا حَقُّهَا عَلَيْهِ قَالَ يَكْسُوها مِنَ الْعُرْيِ وَتُطْعِمُها مِنَ الْجُوعِ وَإِنْ أَذْنَبَتْ غَفَرَ لَهَا»

۱۱. «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»

تش عاطفی تبدیل شود. این عوامل نه گانه در تعامل با یکدیگر، بستر لازم برای شکل گیری و بروز مؤلفه های هسته ای طلاق عاطفی را فراهم می آورند.

در ادامه تبیین مدل فرآیندی، مؤلفه های هسته ای طلاق عاطفی نمایان می شوند که در واقع، نشانگان عینی و تجلی یافته تش در متن رابطه زناشویی هستند. این مؤلفه ها در شش مقوله اصلی قابل مشاهده و ارزیابی هستند. تزلزل عاطفی به عنوان یکی از بارزترین این مؤلفه ها، با نشانه هایی چون فقدان آرامش که فلسفه وجودی ازدواج است (روم: ۲۱)، دلخوری (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۵۲)، روی گردانی عاطفی (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۶۹) و عدم توجه به احساسات یکدیگر (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۴۴) خود را نشان می دهد. این حالت زمانی تشدید می شود که زوجین از ابراز احساسات خودداری کنند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۰)، نسبت به هم بی رغبت شوند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۹) و در نهایت، رابطه به سردی و انفعال عاطفی گراید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۹). فقدان محبت و همدلی (تحریم: ۱) هسته اصلی این تزلزل را تشکیل می دهد. در گام بعد، ناسازگاری به صورت الگویی مخرب از رفتارهایی چون بدخلقی (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۷۹)، بدرفتاری (نساء: ۱۹؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۶۹)، تحقیر کردن (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۴۴)، تهمت زدن (نور: ۶) و لجبازی (کلینی، ۵، ص ۳۲۷) ظاهر می شود. این رفتارها که با بددعنی و تحقیر همراه است (ابن حنبل، بی تا، ج ۱۰، ص ۷۵)، آرامش رابطه را به کلی برهم می زند و تنها از طریق مدارا و گذشت (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۵۶۰۷) و رعایت احترام و محبت متقابل (انعام: ۹۸) قابل تعدیل است.

مؤلفه روی گردانی نیز بیانگر فاصله گیری فعال و انفعالی از همسر است که در قالب بی اهمیتی به امور منزل (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۶)، عدم تلاش برای بهبود مهارت های ارتباطی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۶۲)، عدم آراستگی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۷) و وقت نگذاشتن برای یکدیگر (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۲) تجلی می یابد. این رفتارها که ناقض توصیه به معاشرت نیکو است (نساء: ۱۹)، به تدریج شکافی عمیق در رابطه ایجاد می کند. متعهد نبودن نیز به عنوان مؤلفه ای حیاتی، خدشه به پایه های اعتماد و امنیت رابطه است. این امر شامل عدم امانت داری اعم از مالی و اخلاقی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۷)، خروج از منزل بدون اجازه و در کل، عدم رعایت حقوق زناشویی می شود. در مقابل، تعهد و مسئولیت پذیری (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۷۲۵۴) که از حقوق مسلم خانواده است (ترمذی، بی تا، ج ۳، ص ۴۶۷؛ ۲۷۴)، با رعایت این حقوق و مراقبت از همسر

(صدوق، ۱۹۹۲، ج ۳، ص ۴۴۴) و نیز وقت گذاشتن و همراهی (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۲) تقویت می‌شود. مؤلفه نافرمانی به‌ویژه با محوریت تمکین، به‌عنوان عاملی که تعادل خانواده را برهم می‌زند، مورد توجه قرار گرفته است. نافرمانی زن از همسر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۴) و عدم فرمان‌بری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۵) نه تنها احترام متقابل را مخدوش می‌کند، بلکه می‌تواند به طلاق رسمی بینجامد. در مقابل، اطاعت‌پذیری و تمکین (نساء: ۲۰) به‌عنوان عاملی برای حفظ انسجام و احترام به نقش‌ها در مدل اسلامی خانواده تأکید شده است. در نهایت، ناکارآمدی جنسی به‌عنوان مؤلفه‌ای که پیوند فیزیکی و عاطفی را به‌طور هم‌زمان تحت تأثیر قرار می‌دهد، مطرح می‌شود. این ناکارآمدی می‌تواند به شکل اختلال (اعراف: ۸۱)، خیانت (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۴)، روی‌گردانی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۷) یا طرد جنسی (بقره: ۲۲۳) بروز کند. منابع اسلامی هم بر حفظ حریم رابطه از تماس‌های نامشروع (نساء: ۲۴) و هم بر رعایت حقوق جنسی یکدیگر و پرهیز از نشوز و عدم تمکین (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۹) که خود زمینه‌ساز سردی رابطه می‌شود (نساء: ۳۴)، تأکید دارند و سلامت این حوزه را برای صمیمیت و حفظ خانواده ضروری می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۴). این شش مؤلفه در تعامل با یکدیگر، هسته اصلی پدیده طلاق عاطفی را تشکیل داده و چنانچه تداوم یابند، به ناگزیر به پیامدهای اجتناب‌ناپذیر آن منجر خواهند شد.

در ادامه سیر فرآیندی، طلاق عاطفی هنگامی که به نقطه اوج خود می‌رسد، به پیامدهای اجتناب‌ناپذیری منجر می‌شود که بنیان زندگی فردی و اجتماعی را نشانه می‌رود. این پیامدهای اولیه در چهار مقوله اصلی قابل ردیابی هستند. نفرت به‌عنوان یکی از اولین و دردناک‌ترین این پیامدها، با احساس بی‌زاری و بی‌میلی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۳۰) و نیز تهدید به جدایی فیزیکی و شکستن حرمت‌ها (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴۰) خود را نشان می‌دهد. ابراز این بی‌زاری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۳۵) و تداوم بی‌توجهی به نیازهای طرف مقابل، تنها بر دامنه فاصله‌گیری و متارکه می‌افزاید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۶۳) و حتی با تحقیر و تهدید به خیانت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۳۹)، به تخریب روابط اجتماعی نیز می‌انجامد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴۲). در چنین فضای مسمومی، خیانت به‌عنوان پیامدی ویرانگر ظهور می‌یابد. این پدیده می‌تواند ریشه در رفتارهای ناشایست یکی از طرفین، مانند بدزبانی و بی‌احترامی داشته باشد که همسر را برای جلب توجه و محبت به سمت دیگری سوق می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۵۳). خیانت جنسی با غیرهمسر (کلینی،

۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴۰) نیز، اغلب پیامد مستقیم فقدان ارتباط مؤثر و عاطفه در زندگی زناشویی است؛ تا جایی که فرد برای ارضای نیازهای عاطفی و روانی خود، ناخواسته به دامن روابطی خارج از چارچوب می‌گلتد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۳۹).

در نهایت، طلاق رسمی به‌عنوان عریان‌ترین و قطعی‌ترین پیامد، چهره نشان می‌دهد. این واقعه می‌تواند برآمده از بداخلاقی و ناسازگاری باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۶) که به تدریج به تنش‌های عاطفی و فاصله‌گیری انجامیده است. ازدواج‌های اجباری که از ابتدا با بی‌میلی همراه بوده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۶) و نیز درگیری‌های لفظی شدید که به طلاق خلع می‌انجامد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴۰)، از دیگر مسیرهایی هستند که نتیجه نهایی آنان در مدل حاضر، طلاق رسمی قلمداد می‌شود. در سطحی کلان‌تر، اختلال در کارکرد اجتماعی خانواده به‌عنوان پیامدی فراگیر رخ می‌نماید. هنگامی که کانون خانواده به دلیل طلاق عاطفی از انجام وظایف اساسی خود مانند تأمین امنیت عاطفی و تربیت نسل آینده باز می‌ماند، نه تنها تزلزل در بنیان آن رخ می‌دهد، بلکه این آسیب به سطح جامعه تسری یافته و به انحرافات اجتماعی و توقف تولید نسل سالم می‌انجامد. این وضعیت نهایتاً به انحطاط ارزش‌های اجتماعی و تزلزل بنیادهای فرهنگی جامعه منجر می‌شود (تحریم: ۶) و نشان می‌دهد که چگونه فروپاشی یک واحد کوچک اجتماعی می‌تواند تأثیراتی گسترده و ویرانگر به همراه داشته باشد. این چهار پیامد، نقطه پایانی چرخه معیوب طلاق عاطفی در مدل پیشنهادی هستند.

در نتیجه، یافته‌های این پژوهش که با هدف تبیین مدل فرایندی طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی انجام شد، ضمن برخورداری از نوآوری‌های محتوایی و روشی، در بستر مطالعات پیشین قابل تحلیل است. این پژوهش با شناسایی ۱۹ مقوله و ارائه یک مدل فرایندی، در عین همسویی با کلیات موضوع در مطالعات پیشین، از وجوه تمایز بنیادینی برخوردار است. با مطالعه رفیعی هنر و همکاران (۱۴۰۰) در طبقه‌بندی عوامل تعارض زوجین (زمینه‌ساز، آشکارساز، تداوم‌بخش) همسو است، اما با ارائه مدل پویای مرحله‌ای، به جای نگاه ایستا، به ترسیم توالی علی - فرایندی و چگونگی تعامل این عوامل پرداخته است. همچنین با مطالعه باستانی و همکاران (۱۳۹۰) در توجه به پیامدهای منفی طلاق عاطفی همسویی دارد، اما در روش‌شناسی (استنباط از متون اسلامی در مقابل روش کیفی میدانی) و کانون تحلیل (فرایند شکل‌گیری در مقابل استراتژی‌های مواجهه) متمایز است. همچنین این پژوهش با مطالعه نریمانی، رحیمی و صداقت (۱۳۹۷) در اهمیت

عوامل ارتباطی همسو است، اما با روش کیفی استنباطی در مقابل روش کمی و ارائه مدل مفهومی - مرحله‌ای در مقابل مدل آماری، به تبیین چگونگی شکل‌گیری پدیده می‌پردازد، و نیز با مطالعه فیروزجاییان ریاحی و محمدی‌دوست (۱۳۹۵) در توجه به عوامل ارتباطی همسو است، اما با تکیه بر مبانی اسلامی در مقابل چارچوب جامعه‌شناختی و ارائه مدلی جهان‌شمول در مقابل مطالعه‌ای با دایره شمول جغرافیایی محدود، متمایز می‌شود. از همین رو در مقایسه با مطالعه خدابخشی کولایی، فلسفی‌نژاد و صبوری (۱۳۹۸) هر دو پژوهش به شناسایی ابعاد طلاق عاطفی توجه دارند، اما این پژوهش با روش استنباطی از متون اسلامی در مقابل روش توصیفی - همبستگی، و ارائه مدل فرایندی در مقابل شناسایی مؤلفه‌های سنجش، و همچنین ارائه راهکارهای مداخله‌ای مبتنی بر فرهنگ اسلامی در مقابل راهکارهای مبتنی بر روان‌شناسی غربی، تمایز می‌یابد.

در جمع‌بندی، این پژوهش با ارائه مدل فرایندی طلاق عاطفی مبتنی بر منابع اسلامی، از چند جهت حائز اهمیت است: اولاً با تکیه بر مبانی دینی، به غنای نظری این حوزه می‌افزاید؛ ثانیاً با ارائه مدل مرحله‌ای، امکان تشخیص و مداخله به‌هنگام را فراهم می‌سازد؛ ثالثاً با تبیین فرایند شکل‌گیری پدیده، مکمل یافته‌های کمی و آماری مطالعات پیشین می‌شود. این مدل می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های پیشگیری و مداخله بومی و فرهنگی قرار گیرد و به حفظ کیان خانواده در جامعه اسلامی کمک نماید.

لازم به ذکر است، پژوهش حاضر با چالش‌هایی در زمینه محدودیت منابع، اعتبارسنجی ناکافی مستندات و تمرکز انحصاری بر روش‌شناسی کیفی مواجه بوده است؛ همچنین فقدان طراحی مداخلات عملی از دیگر محدودیت‌های این مطالعه به‌شمار می‌رود. به‌منظور توسعه این عرصه پژوهشی، انجام مطالعات آینده با تمرکز بر واکاوی تجارب زیسته زوجین، تدوین بسته‌های مداخله‌ای مبتنی بر یافته‌های تحقیق و اعتبارسنجی نظام‌مند متون روایی پیشنهاد می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۶). الأُمّالی. تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۹۹۲م). من لایحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.

ابن حنبل، احمد بن محمد (بی‌تا). مسند الإمام أحمد بن حنبل. جدة: دار المنهاج.

اعزازي، شهلا (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: روشنگران.

باقری شیخانگفشه، فرزین و فتحی آشتیانی، علی (۱۴۰۰). نقش رضایت زناشویی و رضایت جنسی طی همه‌گیری کرونا و ویروس ۲۰۱۹ در سلامت روانی خانواده‌ها. خانواده‌پژوهی، ۱۷(۶۵)، ۴۵ - ۶۲.

بوهانان، پ. (۱۹۷۰)، به نقل از: لاور (۲۰۰۷). مبانی جامعه‌شناسی خانواده. ترجمه علی تقوی. تهران: رشد.

بوهانان، پل (۱۹۷۰)، به نقل از: اولسن، د. و دفراین، ج. (۲۰۰۶). طلاق عاطفی به‌عنوان اولین مرحله از فرایند طلاق. پویایی خانواده و فرایندهای طلاق. ترجمه علی‌رضا محسنی، تهران: آوای نور.

ترمذی، محمد بن عیسی (بی‌تا). سنن الترمذی. ریاض: مکتبة المعارف للنشر و التوزیع. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: الفردوس. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۹۸۹م). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص). مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.

خجسته‌مهر، رضا؛ بهمنی، ابوطالب؛ سودانی، منصور و عباسپور، ذبیح‌الله (۱۳۹۹). تبیین فرایند شکل‌گیری طلاق: یک پژوهش کیفی. دستاوردهای روان‌شناختی، ۲۷(۱)، ۲۳ - ۴۶. خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ فلسفی‌نژاد، محمدرضا و صبوری، زهره (۱۳۹۸). بررسی میزان و مؤلفه‌های طلاق عاطفی در پرستاران متأهل بیمارستان‌های شهر تهران. پژوهش توان‌بخشی در پرستاری، ۵(۳)، ۳۹ - ۴۶.

خسروی، جهانبخش؛ مرادی، امید؛ احمدیان، حمزه و یوسفی، ناصر (۱۳۹۸). مدل علی‌گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین با میانجیگری دل‌زدگی زناشویی: مطالعه موردی شهرستان قصر شیرین. روان‌شناسی اجتماعی خانواده، ۱۴(۳)، ۹۸ - ۱۱۲.

دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۳۸۲). ارشاد القلوب. ترجمه علی بن محمد جعفری. تهران: اسلامیه. رشید، خسرو؛ حسنوند، فضالاه؛ نبی‌زاده، صفدر و رشتی، عابده (۱۳۹۸). بررسی عوامل برون‌فردی مؤثر بر طلاق عاطفی در میان زنان. مطالعات زن و خانواده، ۷(۳)، ۱۱۸ - ۱۴۸.

رضایی، مریم و رضایی، سحر (۱۳۹۹). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های دلبستگی، صمیمیت زناشویی و هوش هیجانی زوجین. روان‌شناسی و مشاوره خانواده، ۳۰(۵)، ۱۰۲ - ۱۱۳.

رفیعی هنر، حمید؛ شاملی، عباسعلی؛ صفورایی، محمد مهدی و صالحی، علی محمد (۱۴۰۰). مدل مفهومی عوامل تعارض زوجین در قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان. مطالعات قرآن و خانواده، ۱۲(۳)، ۱۰۵ - ۱۱۸.

رمضانی فر، حدیثه؛ کلدی، علیرضا و قدیمی، بهرام (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن. روان‌شناسی اجتماعی، ۹(۶۰)، ۲۰۴ - ۲۱۷.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.

سرمد، زهره؛ بازگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۷۸). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.

باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود و روشنی، شهره (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن. خانواده‌پژوهی، ۷(۲۶)، ۲۴۱ - ۲۶۰.

شجاعی، محمدصادق؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳). کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۸(۱۵)، ص ۷ - ۳۸.

طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۳). منطق فهم حدیث. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الأخلاق. قم: مطبعة الشریف الرضی.

عباسی، مهدی (۱۳۹۷). تدوین مدل مفهومی و طرح نمای درمانی لذت‌بری سعادتنگر بر اساس منابع اسلامی در نشانگان افسردگی. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.

عظیمی، اکبر؛ اکبری، سمیه؛ صالحی، کیوان و نورمحمدی، لیلا (۱۳۹۹). نقش ارتباطات در سلامت خانواده. تهران: دانشگاه تهران.

علاقبند، لیلا؛ شریفی، حسن پاشا؛ فرزاد، ولی‌اله و آقاییوسفی، علیرضا (۱۳۹۹). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان‌خواهی با میانجیگری تاب‌آوری. روان‌شناسی بالینی، ۱۷(۲)، ۶۷ - ۷۸.

فیروزجاییان، علی اصغر؛ ریاحی، محمداسماعیل و محمدی دوست، منصوره (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی طلاق عاطفی در میان زوجین شهر نوشهر. مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۵(۳)، ۳۵ - ۵۹.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامية). تهران: دار الکتب الإسلامية.
گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۷). خانواده درمانی، ترجمه حمیدرضا حسین شاهی
براویتی، سیامک نقش بندی و الهام ارجمند. تهران: روان.

متقی هندی، علاءالدین (۱۴۰۱ق). کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. بیروت: مؤسسة الرسالة.
مجیدی نظامی، فاطمه (۱۴۰۰). واژگان مرتبط با طلاق عاطفی در فقه اسلامی. فقه و حقوق
خانواده، ۲۶(۷۴)، ۵۸ - ۷۰.

محمدپور، احمد (۱۳۹۸). ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی.
قم: لوگوس.

محمدی ری‌شهری، محمد و پسندیده، عباس (۱۳۸۹). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث.
ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دار الحدیث.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۳). میزان الحکمة. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دار الحدیث.
مخدومی، عبدالحسین (۱۴۰۲). الگوی تصمیم‌گیری برای طلاق بر اساس منبع اسلامی در فرایند
مشاوره زوجین. مشاوره خانواده، ۱۸(۲)، ۱۳۴ - ۱۴۷.

نجفی، محمدرضا؛ احمدی، محمدرضا و رضائیان، حسین (۱۴۰۳). مدل فرایندی طلاق عاطفی
بر اساس منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی. مؤسسه آموزش عالی
اخلاق و تربیت.

نریمانی، محمد؛ رحیمی، سعید و صداقت، مهرناز (۱۳۹۷). پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بر
اساس الگوهای ارتباطی خانواده و ساختار انگیزشی. روان‌شناسی خانواده، ۵(۲)، ۱۵ - ۲۶.
نظامی، مریم؛ قمری، محمد؛ اسدی، مسعود و امیری مجید، مجتبی (۱۴۰۲). تدوین الگوی
مفهومی ازدواج پایدار رضایتمند در زوجین متقاضی فرزندخواندگی: مطالعه کیفی داده‌بنیاد.
خانواده درمانی کاربردی، دوره ۴، ش ۱، ۳۴ - ۶۳.

نوری، نجیب‌الله؛ عسگری، علی؛ نارویی، رحیم و شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۵). مؤلفه‌های
فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی. اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی،
۲(۴)، ۷ - ۲۶.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت
لأحیاء التراث.



یوسفی مقدم، محمدصادق و دین پرست سرخ آبی، لیلا (۱۴۰۰). طلاق عاطفی و راهکارهای قرآنی
پیشگیری از آن. مطالعات علوم قرآن، ۳(۳)، ۷۸ - ۱۰۶.

Alshahrani, H. & Hammad, M. (2023). Impact of emotional divorce on the mental health of married women in Saudi Arabia. *PLOS ONE*, 18(11), e0293285. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0293285>.

Damo, D. D. & Cenci, C. M. B. (2021). Emotional Divorce: Similarities and Differences According to the Position Occupied. *Trends in Psychology*, 29(3), 505-518.

Hsieh, Hsiu-Fang & Shannon, Sarah E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288

Jamalnik, M., Falsafinejad, M. R. & Khodabakhshi-Koolaei, A. (2020). Long-term marital satisfaction: Couples' narratives of the role of mate selection. *Journal of Client-centered Nursing Care*, 6(4), 267-76.

Jarwan, A. S. & Al-frehat, B. M. (2020). Emotional Divorce and Its Relationship with Psychological Hardiness. *International Journal of Education and Practice*, 8(1), 72-85.

Lawshe, C. H. (1975). A Quantitative Approach to Content Validity. In: *Personnel Psychology*, 28(4), 563-575.

Myers, J. E., Madathil, J. & Tingle, L. R. (2005). Marriage satisfaction and wellness in India and the United States: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice. *Journal of Counseling & Development*, 83(2), 183-190.

Zubrick, S. R., Silberberg, P. & Demujo, D. (2006). Emotional disconnect or emotional divorce as a critical marital issue. *Journal of Marital and Family Therapy*, 32(4), 340-350.

